



نقد و بررسی کتاب قرآن‌های دوره تیموری

دلایم کاردار طهران^۱

... مقدمه

کتاب قرآن‌های دوره تیموری، در آمدی بر نظام بصری حاکم بر نسخه‌های خطی ایرانی برای نخستین بار در سال ۱۳۹۷ به صورت چهار رنگ در ۱۱۴ صفحه، توسط انتشارات فرهنگستان هنر در تهران به چاپ رسیده است.

کتاب یاد شده توسط طبعیه بهشتی، عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد پرند، در دو فصل تالیف شده است. براساس یادداشت ناشر، این کتاب تلاشی است در جهت نشر آگاهی و دانش، و بسط مطالعه و پژوهش و براساس آنچه مولف در بخش پیشگفتار بیان

کرده، کتاب حاضر نخستین گامی است که به منظور معرفی کلیه مخطوطات قرآنی تیموری محفوظ در موزه ملی ایران برداشته شده و نیز یکی از نخستین تلاش‌هایی است که هدف از آن بازیابی اصول و قواعد حاکم بر طراحی نسخ خطی ایرانی است.

در فصل اول کتاب با عنوان «قرآن‌های تیموری محفوظ در موزه ملی ایران» سه بخش مشاهده می‌شود: نخست، معرفی و توصیف قرآن‌های تیموری محفوظ در موزه ملی ایران، سپس نسخه‌های قرآنی کامل و دیگری نسخه‌های دربرگیرنده پاره‌ای از قرآن کریم.

۱. کارشناس ارشد ایران‌شناسی، مدرس موسسه آموزش عالی فردوس مشهد، مشهد.

در فصل دوم نیز با عنوان «نظام کتاب‌آرایی حاکم بر مجموعه جزءهای قرآنی شماره ۹۲۳۲ موزه ملی ایران» دو بخش معرفی مجموعه جزءهای قرآنی شماره ۹۲۳۲ موزه ملی ایران و دیگری تدوین نظام حاکم بر طراحی مجموعه جزءهای قرآنی شماره ۹۲۳۲ موزه ملی ایران مشاهده می‌شود و پس از آن به ترتیب نتیجه‌گیری، فهرست منابع و مأخذ، فهرست منابع تصاویر و فهرست نسخه‌های قرآنی دوره تیموری (محفوظ در موزه دوران اسلامی موزه ملی ایران) آورده شده است. از نکات مثبت این کتاب باید به کیفیت بالای تصاویر و رنگی بودن آن‌ها اشاره کرد. همچنین آوردن تصاویری از نسخه‌ها و جزئیات آن‌ها که شاید پیش‌تر در منابع دیگر نیامده‌اند، امریست نیکو. از چگونگی تنظیم محل جای‌گیری مستطیل قالب متن در صفحه مصاحف نیز جدولی مفصل تهیه شده که بررسی آن اطلاعات سودمندی را در اختیار مخاطبان قرار خواهد داد. جدول فهرست نسخه‌های قرآنی دوره تیموری که در انتهای کتاب آمده نیز جامع و کاربردی است. باید اذعان داشت که معرفی و توصیف ویژگی‌های برجسته‌ترین قرآن‌های تیموری محفوظ در موزه ملی ایران امری مهم است که در این کتاب صورت گرفته اما رعایت برخی نکات در این تالیف ارزشمند از قلم افتاده و امید است که در چاپ‌های بعدی این اشکالات رفع شود تا ارزش این پژوهش دو چندان شود.

اکنون با تاکید دوباره بر ارزش کتاب پیش رو و ضمن اظهار این نکته که خوشبختانه این اثر فاقد اشکالات صوری چشمگیر است، ضروری است تا به برخی از اشکالات محتوایی کتاب، در ادامه اشاره شود.

●● تحلیل محتوایی کتاب

(۱) مهم‌ترین نکته‌ای که در بخش اشکالات محتوایی کتاب مشاهده می‌شود آن است که در بخش پیشگفتار، مولف، هدف اولیه این طرح پژوهشی را تدوین نظام بصری حاکم بر دست کم یکی از مصاحف دوره تیموری اظهار کرده که در یکی از کتابخانه‌ها یا موزه‌های داخل کشور حفظ و نگهداری می‌شده است. اما به دلیل محدودیت مالی و زمانی محتوای طرح یاد شده، به معرفی مصاحف تیموری محفوظ در بخش اسلامی موزه ملی ایران و سپس تدوین نظام بصری حاکم بر طراحی مجموعه جزءهای قرآنی شماره ۹۲۳۲ محفوظ در این موزه محدود شده است (صفحه ۹). اما متأسفانه این تغییر بنیادین در پژوهش، در عنوان کتاب صورت نگرفته و عنوان کتاب «قرآن‌های دوره تیموری: درآمدی بر نظام بصری حاکم بر نسخ خطی ایرانی» ذکر شده که این عنوان کلی و وسیع، برای مخاطبان بسیار گمراه‌کننده است زیرا به محض رجوع به فهرست مطالب و همچنین مطالعه‌ی محتوای کتاب، درمی‌یابیم که صحبتی از «تمام» یا «اکثر»

قرآن‌های دوره تیموری نیست بلکه تنها به معرفی قرآن‌های محفوظ در موزه ملی ایران پرداخته شده است. همچنین صحبتی از «نظام بصری حاکم بر نسخ خطی ایرانی» در کتاب نشده بلکه تنها نظام کتاب‌آرایی یک مجموعه از جزءهای قرآنی به شماره ۹۲۳۲ در موزه ملی بررسی شده است.

(۲) در فصل اول با عنوان «قرآن‌های تیموری محفوظ در موزه ملی ایران» و در صفحه ۱۹ کتاب، اظهار شده که ۹۱ نسخه در موزه دوران اسلامی، متعلق به دوره تیموری است که از این میان فقط ۳۸ نسخه و مجموعه را می‌توان به طور قطع و به احتمال زیاد منسوب به دوره تیموری دانست. اما در صفحه ۲۰، بیان شده که کتابت چهار نسخه را با قطعیت بیشتری می‌توان به دوره تیموری منسوب کرد! و باز در همان صفحه (۲۰)، قرآنی معرفی شده و در پاورقی اظهار شده که به باور شماری از کارشناسان، احتمالاً این نسخه متعلق به دوره صفوی است! اشکالی که به معرفی نسخه‌ها و توضیحات در خصوص آن‌ها وارد است آن است که اگر قرار بر این است که ویژگی‌هایی در خصوص یک مکتب خاص ارائه شود، باید از نمونه‌هایی در جامعه‌ی آماری استفاده شود که قطعاً متعلق به آن دوره و مکتب هستند و نه اینکه با شبهه در خصوص هر نمونه صحبت و در انتها نیز نتیجه‌گیری کلی کرد. در نتیجه بهتر بود نمونه‌هایی در این کتاب

معرفی و بررسی شوند که «قطعاً» متعلق به دوره تیموری هستند. متأسفانه این حدس و گمان و عدم قطعیت در خصوص تاریخ و مکتب دقیق نسخه‌ها، در جای جای کتاب مشاهده می‌شود.

(۳) از نکاتی که در هر پژوهش ضروریست تا رعایت شود آن است که پژوهشگر اجازه ندهد تا اشکالات و خطاهای گذشته به پژوهش جدید راه پیدا کند. یکی از این موارد در کتاب مورد بحث، آن است که در خصوص «نوع کاغذ» در نسخه‌ها، همانند پیشینیان با نام‌هایی همچون «کاغذ دولت آبادی» (صفحه ۲۷) و «کاغذ ترمه» (صفحه ۲۹) صحبت شده این در حالیست که امروزه می‌دانیم صحیح نیست تا در خصوص نوع کاغذ، با قطعیت از نام‌های رایج کاغذها در گذشته نام برد و بهتر آن است که تنها به ذکر «رنگ کاغذ» و در صورت دسترسی، به «ضخامت» آن‌ها اشاره کرد.

(۴) در صفحه ۶۰ کتاب، در خصوص «کتابت» مصحفی اینگونه اظهار شده است که «می‌توان ادعا کرد کاتب این مجموعه به اندازه کافی در نگارش این قلم {محقق} پخته نبوده...» این در حالیست که تصویری از نوع کتابت با «ظاهر کمابیش غیراستادانه» و «خام» که مولف از آن یاد کرده، ارائه نشده است. نیک می‌دانیم اینگونه تحلیل‌ها، نیازمند ارائه تصاویر مستند و همچنین بررسی‌های دقیق به کمک ابزار مناسب است.

۵) از دیگر ایرادات وارده به این پژوهش، باید به عدم ارائه تصاویر ذیل برخی توضیحات اشاره کرد. به عنوان مثال، در صفحه ۳۹ آمده است که نشان پایان آیات در بیشتر قرآن‌های دوره تیموری «نقش‌مایه گل پنج پر زرین» است، این در حالیست که نه تنها تصویری از نشان پایان آیات مجموعه ۴۲۶۸ ارائه نشده بلکه تصاویر شاهد بر این امر، از سایر نسخه‌های دوره تیموری نیز آورده نشده است. این اتفاق در صفحات دیگر کتاب نیز از جمله صفحه ۲۹ قابل مشاهده است.

... نتیجه‌گیری

امروزه، با توجه به گستردگی راه‌های دسترسی به منابع متعدد و امکان جستجو و جمع‌آوری اطلاعات با سرعت بالا، آنچه پژوهش‌ها را از یکدیگر متمایز می‌کند، دقت پژوهشگر، استفاده از منابع دست اول، میزان صحت و سقم اطلاعات ارائه شده و جلوگیری از ورود اطلاعات غلط گذشته به پژوهش‌های جدید است. از این رو در گام نخست هر تحقیق، ضروریست تا موضوع، دامنه‌ی پژوهش و جامعه آماری، نه تنها برای پژوهشگر بلکه برای مخاطبان نیز به طور دقیق مشخص شود. این امر سبب می‌شود تا پژوهشگر از ورود اطلاعات اضافی به تحقیق خود جلوگیری کند و به منظور انتخاب عنوان پژوهش خود، با دقت و ظرافت عمل کند. همچنین ضروریست یافته‌های پیشینیان را بدون هیچ تغییری

در تحقیقات خود وارد ننماید و بر روی تک تک آن‌ها بررسی و مطالعه کرده و در صورت امکان، مشاهدات میدانی نیز صورت گیرد تا اطلاعات گذشتگان، با بازبینی مجدد، به صورت صحیح در اختیار آیندگان قرار گیرد. امید است که کتاب مورد بحث، با بازبینی نکات ارائه شده و ویرایش مجدد، روانه بازار شود تا برای مخاطبان و علاقمندان سودمند باشد زیرا موضوع این کتاب، حوزه وسیعی از مخاطبان را در بر می‌گیرد شامل: پژوهشگران نسخه‌های خطی، کتاب‌آرایی و تزیینات، خط و خوشنویسی و قرآن پژوهان.